اَلدَّرسُ الرّابِعُ برگرد

﴿ إِنَّ هٰذِهِ أُمَّتُكُم أُمَّةً واحِدَةً وَ أنا رَبُّكُم فَاعْبُدونِ[1] ﴾ الأنبياء: ۹۲
بی‌گمان این امّت شماست؛ امّتی یگانه و من پروردگارتان هستم، پس مرا بپرستید.

اَلدَّرْسُ الرّابِعُ (درس چهارم)
اَلتَّعايُشُ السِّلْميُّ (همزیستی مسالمت آمیز)

لَقَد كانَتْ رِسالَةُ الإسلامِ عَلىٰ مَرِّ الْعُصورِ قائِمَةً عَلىٰ أَساسِ الْمَنطِقِ وَ اجْتِنابِ الْإِساءَةِ؛ فَإِنَّ اللّٰهَ يَقولُ:
رسالت اسلام در گذر زمان بر پایهٔ منطق و دوری از بی‌ادبی استوار است (بوده است) زیرا خداوند می‌فرماید.

﴿ وَ لا تَستَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ [2] اِدفَعْ بالّتي هيَ أحسَنُ فَإذَا الّذي بَينَكَ وَبَينَهُ عَداوَةٌ كانَّهُ وَلِيٌّ حَميمٌ [3] ﴾ فُصّلَتْ : ۳۴
نیکی و بدی برابر نیستند؛ [بدی را] به گونه‌ای که بهتر است دفع کن که آنگاه (می بینی)کسی که میان تو و او دشمنی هست، گویی دوستی صمیمی می‌شود.

إنَّ الْقُرآنَ يَأمُرُ الْمُسلِمينَ أنْ لا يَسُبُّوا [4] مَعبوداتِ الْمُشرِكينَ وَ الْكُفّارِ (مفردش:كافِر)
همانا قران به مسلمانان دستور می‌دهد که خدایان مشرکان و کافران را دشنام ندهند.

فَهوَ يَقولُ ﴿:وَ لا تَسُبّوا الّذينَ يَدْعونَ مِنْ دونِ اللّٰهِ فَيَسُبّوا اللّٰهَ...﴾ الأنعام ۱۰۸
وآن (قران) می‌فرماید: کسانی را که به جای خدا فرا می‌خوانند دشنام ندهید که به خداوند دشنام دهند... .

اَلْإسلام يَحتَرِمُ الْاَديانَ الْاِلٰهيَّةَ؛﴿قُلْ يا أهلَ الْكِتابِ تَعالَوا إلىٰ كَلِمَةٍ سَواءٍ بَينَنا وَ بَينَكُم ألّا نَعْبُدَ إلّا اللّٰهَ وَ لا نُشْرِكَ[5]بِه شَيئاً﴾ آل عِمران: ۶۴
اسلام به دین‌های الهی احترام می‌گذارد؛ (ای پیامبر) بگو: ای اهل کتاب (یهود ونصاری) بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم (یا فقط خدا را بپرستیم) و چیزی را شریک او نگردانیم.

يُؤَكِّدُ الْقُرآنُ عَلىٰ حُرِّيَّةِ الْعَقيدَةِ: ﴿لا إكراهَ[6] فِي الدّينِ...﴾البقرة ۲۵۶
قران بر آزادی عقیده تاکید می‌کند: هیچ اجباری در دین نیست.

لا يجوزُ الْإصرارُ عَلىٰ نِقاطِ الْخِلافِ وَ عَلَى الْعُدوانِ، لِاَنَّهُ لا يَنتَفِعُ بِهِ أحَدٌ؛ وَ عَلىٰ كُلِّ النّاسِ أن يَتعايَشوا مَعَ بَعضِهِم تَعايُشاً سِلْمِيّاً،مَعَ احْتِفاظِ كُلٍّ مِنهُم بِعَقائِدِهِ؛ لِاَنَّهُ ﴿كُل حِزبٍ بِما لَديهِم فَرِحونَ﴾ الرّوم :۳۲
اصرار و پافشاری بر نقاط اختلاف و دشمنی جایز نیست، زیرا کسی از آن سود نمی‌بَرد، بر همهٔ مردم لازم است (همهٔ مردم باید) که هر کدام با حفظ عقاید خود با یکدیگر همزیستی مسالمت آمیز داشته باشند؛ زیرا -{هر حزب وگروهی به آنچه دارد، دلشاد است}- .

۱- فَاعْبُدونِي : ف + أعبُدوا + ن (نون وقايه)+ ي (ضمير)
نون وقایه نونی که میان فعل و ضمیر یای متکلم برای حفظ حرکت آخر فعل فاصله می‌شود.
۲- «لا» در «لا تَستَوِي»: لای نفی مضارع / «لا» در «لَا السَّيِّئَةُ»: لای زائد است برای تاکید نفی
۳- نیکی و بدی برابر نیستند؛ [بدی را] به گونه‌ای که بهتر است دفع کن که آنگاه کسی که میان تو و او دشمنی هست، گویی دوستی صمیمی می‌شود.
۴و۵- «لا» در «أن+لا يسُبّوا: که دشنام ندهند»، «ألّا نَعْبُدَ (أن+لا نعبدُ) :که نپرستیم وَ لا نُشْرِكَ: شریک نگردانیم»، لای نفی است.
۶- لا + اسم مفتوح، ← به معنای هیچ .... نیست/ لا إكراهَ فِي الدّينِ: **هیچ** اجباری در دین **نیست**.

DaneshSad
دانش صد

اَلْبِلاد الْاسلامیَّةُ مَجموعَةٌ مِنَ الشُّعوبِ الْکَثیرَةِ، تَختَلِفُ فی لُغاتِـها وَ أَلْوانِـها.
کشورهای اسلامی مجموعه ای از ملت‌های بسیار است که در زبان (زبان‌ها) و رنگ(رنگ‌هایشان) فرق دارند.

قالَ اللّٰهُ تَعالیٰ: خدای تعالی (بلند مرتبه) فرموده است:

﴿یاایُّها النّاسُ إنّا خَلَقْناکُم مِنْ ذَکَرٍ وَ أُنْثیٰ وَ جَعَلْناکُم شُعوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفوا إنَّ أکرَمَکُم عِندَ اللّٰهِ أتقاکُم﴾ اَلْحُجُرات ۱۳
ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی گمان گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست.

یَأْمُرُنا الْقُرآنُ بِالْوَحدَةِ. ﴿وَ اعْتَصِموا بِحَبْلِ اللهِ جَمیعاً وَ لاتَفَرَّقوا... ﴾ آل عِمران: ۱۰۳
قران به ما دستور به همبستگی (یکپارچگی) می‌دهد . -{ وهمگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید.}-

یَتَجَلّی اتِّحادُ الْاُمَّةِ الْاسلامیَّةِ فی صُوَرٍ کَثیرَةٍ، مِنهَا اجْتِماعُ الْمُسلِمینَ فی مَکانٍ واحِدٍ فی الْحَجِّ.
همبستگی (یکپارچگی) امّت اسلامی در شکل‌های بسیاری جلوه‌گر می‌شود. از آن جمله گردهمایی مسلمانان در جای واحد در حج.

اَلْمُسلِمونَ خُمْسُ سُکّانِ الْعالَمِ، یَعیشونَ فی مِساحَةٍ واسِعَةٍ مِنَ الْأَرضِ مِنَ الصّینِ إلَی الْمُحیطِ الْاَطلَسیِّ.

مسلمانان یک پنجم ساکنان جهان هستند در مساحتی (پهنایی) گسترده از زمین از چین تا اقیانوس اطلس زندگی می‌کنند.

قالَ الْإمامُ الْخُمَینیُّ قُدِّسَ سِرّه: ... إذا قالَ أَحَدٌ کَلاماً یُفَرِّقُ الْمُسلِمینَ، فَاعْلَموا أَنَّهُ جاهِلٌ أَوْ عالِمٌ یُحاوِلُ إیجادَ التَّفرَقَةِ بَینَ صُفوفِ الْمُسلِمینَ.
امام خمینی قُدِّسَ سِرّه فرموده است: هر گاه کسی سخنی بگوید که مسلمانان را پراکنده سازد، بدانید که وی یا نادان است یا دانایی است که تلاش می‌کند دربین صفوف مسلمانان اختلاف بگستراند.

وَ قالَ قائِدُنا آیَةُ اللّٰهِ الْخامنئیّ: ورهبرمان آیت اللّه خامنه‌ای فرموده است:

مَن رَأیٰ مِنکُم أَحَداً یَدعو إلَی التَّفرِقَةِ، فَهُوَ عَمیلُ الْعَدوِّ.
هر کس از شما کسی را دید که به تفرقه فرا می‌خوانْد، مزدور دشمن است. (ترجمه مؤلف)
(هر کس از شما کسی را ببیند که به تفرقه دعوت می‌کند پس وی مزدور دشمن است.) ← این هم درسته

DaneshSad
دانش صد

✿ اَلْمُعجَم ✿ برگرد

أَتقىٰ : **پرهیزگارترین**	حَميم : **گرم و صمیمی**	سَواء : **یکسان**
اِحتِفاظ : **نگاه داشتن**	خِلاف : **اختلاف**	عَلىٰ مَرِّ الْعُصورِ : **در گذر زمان**
إساءَة : **بدی کردن**	خُمْس : **یک پنجم**	عَميل : **مزدور «جمع: عُمَلاء»**
أَشْرَكَ : **شریک قرار داد**	دَعا : **فرا خواند، دعا کرد**	لَدىٰ : **نزد «لَدَيهِم: دارند»**
اِعتَصَمَ : **چنگ زد (با دست گرفت)**	«يَدعونَ :فرا می‌خوانند»	مَعَ بَعض : **با همدیگر**
أَكرَم : **گرامی‌ترین**	ذَكَر : **مرد، نر**	مِنْ دونِ اللّٰهِ : **به جای خدا، به غیر خدا**
أُنثىٰ : **زن، ماده**	فَرِحٌ : **شاد**	يَتَجَلّىٰ : **جلوه‌گر می‌شود**
تَعارُف : **یکدیگر را شناختن**	فَرَّقَ : **پراکنده ساخت**	يَجوزُ : **جایز است**
لِتَعارَفوا : **تا یکدیگر را بشناسند**	قائِد : **رهبر «جمع: قادَة»**	يَسْتَوي : **برابر می‌شود**
تَعايَشَ : **همزیستی داشت**	قائِم : **استوار، ایستاده**	يُؤَكِّدُ : **تأکید می‌کند**
حَبْل : **طناب «جمع :حِبال»**	سَبَّ : **دشنام داد**	
حُرِّيَّة : **آزادی**	سِلْميّ : **مُسالمت آمیز**	
	«سِلْم : صلح»	

🕮 حَولَ النَّصّ برگرد

✍ **عيِّنِ الصَّحيحَ وَ الْخَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرسِ.** درست و غلط را طبق متن درس مشخص کنید. ✓ ✗

۱- يَجوزُ الْإصرارُ عَلىٰ نِقاطِ الْخِلافِ وَ الْعُدوانِ، لِلدِّفاعِ عَنِ الْحَقيقَةِ.

پافشاری بر نقاط اختلاف و دشمنی، برای دفاع از حقیقت جایز می‌باشد. (غلط ✗)

۲- رِسالَةُ الْإسلامِ قائِمَةٌ عَلىٰ أَساسِ الْمَنطِقِ وَ اجْتِنابِ الْإساءَةِ.

پیام اسلام بر اساس منطق و دوری از بدی استوار است. (صحیح ✓)

۳- عَلىٰ كُلِّ النّاسِ أَن يَتعايَشوا مَعَ بَعضِهِم تَعايُشاً سِلْمِيّاً.

بر همهٔ مردم واجب است که با یکدیگر بطور مسالمت آمیز همزیستی کنند. (صحیح ✓)

٤- لِبَعضِ الشُّعوبِ فَضلٌ عَلَى الْآخَرينَ بِسَبَبِ اللَّونِ.

برخی از ملت ها به علت رنگ بر بعضی دیگر برتری دارند. (غلط ✗)

٥- رُبْعُ سُكّانِ الْعالَمِ مِنَ الْمُسلِمينَ.

یک چهارم ساکنان جهان مسلمان هستند. (غلط ✗)

بیشتر بدانیم: ثُلْث: یک سوم؛ رُبْع: یک چهارم؛ خُمْس: یک پنجم؛ سُدْس: یک ششم و ...

DaneshSad
دانش صد

إعلَموا

برگرد

أَشكالُ اَلْأَفعالِ (۲)

در درس گذشته با چند فعل، که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها بیش از سه حرف است، آشنا شدید. اکنون با چند فعل دیگر آشنا شوید.

باب	اَلْماضي	اَلْمضارع	اَلْأمر	اَلْمَصدَر[۳۳]
تَفاعُل	تَفاعَلَ	يَتَفاعَلُ	تَفاعَلْ	تَفاعُل
تفعيل	فَعَّلَ	يُفَعِّلُ	فَعِّلْ	تَفعيل
مُفاعَلَة	فاعَلَ	يُفاعِلُ	فاعِلْ	مُفاعَلَة
إفعال	أَفْعَلَ	يُفْعِلُ	أَفْعِلْ	إفعال

باب	اَلْماضي	اَلْمضارع	اَلْأمر	اَلْمَصدَر
٥ تَفاعُل	تَشابَهَ: همانند شد	يَتَشابَهُ: همانند می‌شود	تَشابَهْ: همانند شو	تَشابُه: همانند شدن
	تَفاعَلَ	يَتَفاعَلُ	تَفاعَلْ	تَفاعُل
٦ تفعيل	فَرَّحَ: شاد کرد	يُفَرِّحُ: شاد می‌کند	فَرِّحْ: شاد کن	تَفريح: شاد کردن
	فَعَّلَ	يُفَعِّلُ	فَعِّلْ	تَفعيل
٧ مُفاعَلَة	جالَسَ: همنشینی کرد	يُجالِسُ: همنشینی می‌کند	جالِسْ: همنشینی کن	مُجالَسَة: همنشینی کردن
	فاعَلَ	يُفاعِلُ	فاعِلْ	مُفاعَلَة
٨ إفعال	أَخْرَجَ: بیرون آورد	يُخْرِجُ: بیرون می‌آورد	أَخْرِجْ: بیرون بیاور	إخراج: بیرون آوردن
	أَفْعَلَ	يُفْعِلُ	أَفْعِلْ	إفعال

شما با حفظ جدول زیر راحت‌تر می‌توانید به سوالات اینچنینی پاسخ دهید.

مصدر تَعَلَّمَ: تَعَلُّم ✓ تَعَلُّم تعليم

ماضی يُحاوِلُ: حاوَلَ ✓ حَوَّلَ تحاوَلَ

امر تُرْسِلُ: أَرسِلُ أَرسَلَ أَرْسِلْ ✓

بیشتر بدانیم

فعل‌هایی که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها فقط از سه حرف اصلی است، ثُلاثي مُجَرَّد گویند.

فعل‌هایی که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها بیش از سه حرف اصلی است، ثُلاثي مَزید گویند.

ثلاثی مجرد وزن خاصی ندارند ولی ثلاثی مزیدها وزن خاص دارند.

مهمترین وزن‌های ثلاثی مزید عبارتند از :

إفعال ، تفعيل ، مفاعلة ، تفاعُل ، تفعُّل ، اِفتعال ، اِنفعال ، اِستفعال

[۳۳] دانش آموز باید وزن های این جدول را حفظ کند.

DaneshSad
دانش صد

باب‌های إفعال ، تفعیل ، مفاعلة : دارای ۱حرف زائد.
باب‌های تفاعل ، تفعّل ، اِنفعال و اِفتعال : دارای ۲حرف زائد.
باب اِستفعال: دارای ۳ حرف زائد است.

الف) بررسی باب هایی که «سوم شخص مفرد **ماضی**» آن‌ها علاوه به حروف اصلی یک حرف زائد دارند(بزیادة حرفٍ واحِدٍ): إفعال و تفعیل و مفاعلَة

۱ و ۲- باب إفعال و تفعیل: این باب معمولاً برای متعدّی کردن افعال لازم به کار می‌روند.

نَزَلَ(=نازل شد) ☜ فعل لازم

أَنزَلَ – نَزَّلَ (=نازل کرد) ☜ فعل متعدّی

☜ فعل لازم (فعلی که با فاعل معنایش تمام شود؛ همان فعل ناگذرا در زبان فارسی را گویند.)

☜ فعل متعدّی (فعلی که علاوه بر فاعل، مفعول می‌خواهد تا معنایش تمام شود؛ همان فعل گذرا در زبان فارسی را گویند.)

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ القدر:۱ ما آن [قرآن] را در شب قدر نازل کردیم.

﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ الفُرقان:۱
بزرگ [و خجسته] است کسی که بر بنده خود فرقان [=کتاب جداسازنده حق از باطل] را نازل کرد تا برای جهانیان هشدار دهنده باشد.

☑ فرق أَنزَلَ و نَزَّلَ :

أَنزَلَ: (یکباره) نازل کرد / نَزَّلَ: (به تدریج) نازل کرد

قرآن، یکبار بصورت یکجا بر پیامبر نازل شده است و بار دیگر به صورت تدریجی که مردم از آن آگاه شده‌اند. (در زبان عربی، «انزال» برای نزول دفعی و «تنزیل» برای نزول تدریجی بکار می‌رود.) تفسیر نور، محسن قرائتی، جلد ٤ ، صفحه ٥٢٦

☑ همزهٔ امر باب افعال بر وزن أَفْعَلْ،همیشه مفتوح و مقطوع است.

۳- باب مُفاعَلَة: این باب برای مشارکت به کار می‌رود ،مشارکتی یکطرفه به نحوی که یکی فاعل و دیگری مفعول باشد.
کتَبَ علیٌّ کتاباً. (=علی نامه‌ای را نوشت.)
کاتَبَ علیٌّ صدیقَــهُ. (=علی با دوستش نامه نگاری کرد.)

ب) باب هایی که «سوم شخص مفرد ماضی» آن‌ها علاوه به حروف اصلی دو حرف زائد دارند(بزیادة حرفَیْنِ): تَفَعُّل، تَفاعُل، اِنفعال، اِفتعال

☑ سه باب تفعّل ، افتعال وانفعال برای مطاوعه به کار می روند؛ یعنی زمانی که ما چیزی را از کسی بخواهیم و او قبول کند یا بخواهیم تأثیری را در چیزی بگذاریم و آن تأثیر پذیرفته شده باشد.

٤ - باب تفَعُّل: این باب معمولا برای مطاوعة (اثرپذیری) به کار می‌رود .
اَدَّبْتُ الطفلَ فَتَأَدَّبَ. کودک را ادب کردم، پس با ادب شد.
یَتَجَلَّی اتِّحادُ الْأُمَّةِ الْاسلامیَّةِ فِي صُوَرٍ کَثیرَةٍ. یکپارچگی امت اسلامی در شکلهای زیادی جلوه‌گر می‌شود.

☑این باب گاهی به صورت لازم، و گاهی متعدی استفاده می‌شود.

DaneshSad
دانش صد

۵- باب تَفاعُل : این باب نیز برای مشارکت دو طرفه به کار می‌رود .
تکاتَبَ علیٌ و محمدٌ = علی و محمد با یکدیگر نامه نگاری کردند .
علی و محمد هر دو در نامه نگاری کردن مشارکت دارندو هر دو کننده کار هستند.
*علی فاعل و مرفوع است و محمد معطوف و مرفوع به تبعیت از فاعل.

باب تَفَعُّل و تَفاعُل:

☑ دقت کنید که ماضی این دو باب با "ت" شروع می‌شود، پس بسیار دقت کنید که در تله نیفتید.
تَفَعَّلَ (ماضی) / یَتَفَعَّلُ (مضارع) / تَفَعَّلْ (امر)
تَفاعَلَ (ماضی) / یَتَفاعَلُ (مضارع) / تَفاعَلْ (امر)

☑ بعضی صیغه‌های فعل ماضی باب تَفَعُّل و تَفاعُل کاملا با فعل امر یکسان هستند.

فعل ماضی: هُما تَفَعَّلا – هُمْ تَفَعَّلوا – هُنَّ تَفَعَّلْنَ فعل امر: أنْتُما تَفَعَّلا – أنتُمْ تَفَعَّلوا – أنتُنَّ تَفَعَّلْنَ	فعل ماضی: هُما تَفاعَلا – هُمْ تَفاعَلوا – هُنَّ تَفاعَلْنَ فعل امر: أنْتُما تَفاعَلا – أنتُمْ تَفاعَلوا – أنتُنَّ تَفاعَلْنَ

برای ترجمه و تشخیص آنها، فقط و فقط از سیاق جمله و ضمایر موجود در جمله پی به ماضی و امر بودن آنها می‌بریم.
﴿یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا ...**تَعاوَنوا** عَلَی الْبِرِّ و التَّقْوَی وَ **لا تَعاوَنُوا** عَلَي الْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ﴾ المائدة:۲
ای کسانی که ایمان آورده‌اید در نیکوکاری و پرهیزگاری **با یکدیگر همکاری کنید** ، و در گناه و تعدّی **دستیار هم نشوید**.

☑ گاهی تای مضارع برای سهولت تلفظ حذف می‌شود:

﴿یا أَیُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْناکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَ أُنْثي وَ جَعَلْناکُمْ شُعُوباً وَ قَبائِلَ **لِتَعارَفُوا** إِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقاکُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلیمٌ خَبیرٌ﴾
الْحُجُرات:۱۳
ای مردم ، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم ، و شما را ملّت ملّت و قبیله قبیله گردانیدیم **تا یکدیگر را بشناسید**. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی تردید ، خداوند دانای آگاه است.
﴿**تَنَزَّلُ** الْمَلائِکَةُ وَ الرُّوحُ فیها بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ﴾ قدر:٤
در این شب فرشتگان و روح به اذن خدا از هر فرمان **نازل می شوند**.
﴿وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّـهِ جَمِیعًا و **لَا تَفَرَّقُوا**﴾ آل عمران:۱۰۳
همگی به ریسمان خداوند چنگ زنید و **پراکنده نشوید**.
«أَقیمُوا الدِّینَ وَ **لا تَتَفَرَّقُوا** فیهِ . . . وَ **ما تَفَرَّقُوا** إِلّا مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْعِلْمَ بَغْیاً بَیْنَهُمْ ؛»
دین را به پا دارید و در آن **تفرقه نکنید**، . . . و از آن **جدا نشدند** مگر بعد از آن که علم به حقانیت آن پیدا کردند به خاطر ستمکاری بین خویش. نهج البلاغه، فیض الاسلام نامه ۵۳.

٦- باب اِنفعال: این باب هم برای مطاوعة (اثرپذیری) به کار می‌رود و بصورت لازم استفاده می‌شود.
غَلِقتُ البابَ فَـ**انغَلَقَ**. در را بستم پس **بسته شد**.

۷- باب اِفتِعال: این باب نیز معمولاً برای مُطاوعة و اثرپذیری به کار می‌رود.
﴿ وَ **لا تَستَوِي** الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّیِّئَةُ ...﴾ نیکی و بدی **برابر نمی‌شوند**. (ماضی:اِستَوَی–مضارع:یَستوي–امر: اِستِواء من باب افتعال)

فعل های مشابه : با دقت در حرکات و ضمایر می‌توان پی به نوع فعل برده و در نتیجه درست ترجمه کنیم.

فعل مضارع : أنا أحترِمُ (من احترام می‌گذارم)

فعل امر : اِحترِمْ أنتَ (تو احترام بگذار)، اِحترِما أنتما، اِحترِموا أنتم(شما احترام بگذارید)

فعل ماضي : هوَ اِحتَرَمَ(او احترام گذاشت)، هما اِحتَرَما، هم اِحتَرَموا (آن‌ها احترام گذاشتند)

برای تشخیص دو باب افتعال و انفعال :

☑اگر حرف دوم نون، جزو حروف اصلی باشد و حرف سوم (ت) باشد **باب افتعال** است ☜ انتظار، انتشار، انتصار، انتصاب، انتباه، انتقال، انتخاب، انتحار، انتقاد، انتقام

اما « انبساط، انجماد، انسداد، انهدام، انقلاب، انحراف، انطلاق» از **باب انفعال** هستند و نون در آنها حرف زائد است.

نکته: «إنتاج» مصدر من باب إفعال است. (راه تشخیص: املای همزه ، وزن و تعداد حروف کمک کننده است)

ج) بررسی بابی که اولین صیغهٔ ماضی آن دارای سه حرف زائد هست (بزیادة ثلاثة أحرف):

۸- باب استفعال برای طلب و درخواست به کار می‌رود.

مانند : **اَسْتَغْفَرْتُ** اللّٰهَ. از خدا آمرزش خواستم.

إختَبِر نَفسَكَ: تَرْجِمِ الْأفعالَ.

ماضی	تَعامَلَ: داد و ستد کرد	**مضارع**	يَتَعامَلُ: داد و ستد می‌کند
امر	تَعامَلْ: داد و ستد کن	مصدر	**تَعامُل: داد و ستد کردن**

ماضی	عَلَّمَ: یاد داد	**مضارع**	يُعَلِّمُ: یاد می‌دهد
امر	عَلِّمْ: یاد بده	مصدر	**تعلیم: یاد دادن**

ماضی	كاتَبَ: نامه‌نگاری کرد	**مضارع**	يُكاتِبُ: نامه‌نگاری می‌کند
امر	كاتِبْ: نامه‌نگاری کن	مصدر	**مُكاتَبَة: نامه‌نگاری کردن**

ماضی	أَجْلَسَ: نشاند	**مضارع**	يُجْلِسُ: می‌نشاند
امر	أَجْلِسْ: بنشان	مصدر	**إجْلاس: نشاندن** (یا گردهمایی)

DaneshSad
دانش صد

❐ در گروه‌های دو نفره، شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حِوارٌ برگرد

فِي صالَةِ[1] التَّفتيشِ بِالْجَمارِكِ[2]

در سالن بازرسی در گمرک

◆ شُرطيُّ الْجَمارِكِ (پلیس گمرک)	◆اَلزّائِرَةُ. (خانم زائر)
اِجلِبي هٰذِهِ الْحَقيبَةَ إلىٰ هُنا . - این چمدان را به اینجا بیاور.	عَلىٰ عَيني، يا أَخي، وَلٰكِنْ ما هيَ الْمُشكِلَةُ؟ - به روی چشمم برادر، اما مشکل چیست ؟
تَفتيشٌ بَسيطٌ . بازرسی ساده	لا بَأسَ. - اشکالی ندارد.
عَفواً؛ لِمَن هٰذِهِ الْحَقيبةُ؟ - ببخشید این چمدان مال کیست؟	لِأُسرَتي. - متعلق به خانواده ام (مال خانواده ام) است.
اِفتَحيها مِنْ فَضلِكِ [3]. - لطفا بازش کن.	تَفَضَّلْ، حَقيبَتي مَفتوحَةٌ لِلتَّفتيشِ. - بفرما چمدانم برای بازرسی باز است.
ماذا في الْحَقيبَةِ؟ - چه چیزی در چمدان است؟	فُرشاةُ الْأَسنانِ و الْمَعجونُ وَ الْمِنشَفَةُ وَ الْمَلابِسُ... - مسواک ، خمیر دندان،حوله و پوشیدنی‌ها (لباس‌ها)
ما هٰذَا الْكِتابُ؟ - این کتاب چیست؟	لَيسَ كِتاباً؛ بَلْ دَفْتَرُ الذِّكرَياتِ [4]. - کتاب نیست؛ دفتر خاطرات است.
ما هٰذِهِ الْحُبوبُ؟ - این قرص ها چیست؟	حُبوبٌ مُهَدِّئَةٌ، عِندي صُداعٌ . - قرص‌های آرام بخش هستند، سر درد دارم.
هٰذِهِ، غَيرُ مَسموحَةٍ[5]. - این غیرمجاز است (ممنوع است).	وَ لٰكِن أَنا بِحاجَةٍ إلَيها جِدّاً. - اما من به آنها خیلی احتیاج دارم.
لا بَأسَ. - اشکالی ندارد.	شُكراً. – متشکرم.
اِجمَعيها وَ اذْهَبي. - جمعشان کن و برو.	في أَمانِ اللّٰهِ. - در پناه خدا (خداحافظ)

۱- **صالَة:** = قاعة: سالن ۲-**جَمارِك:** گمرک (جمارك: ج جمرك) ۳- **مِنْ فَضْلِك**= **رَجاءً**: لطفاً ٤- **ذِكْرَيات:** خاطرات مفرده: ذكرىٰ ٥- **مَسموح** ≠ ممنوع

DaneshSad دانش صد

☼برای مطالعه در خانه☼

در درس سوم خواندید که آنچه در یادگیریِ فعل ها مهم است، شناسه است.

مثال هایی برای یادآوری فعل ماضی که در پایهٔ هفتم خواندید:

«تُ» در «فَعَلْتُ» (انجام دادم)؛ مانند:
تَعارَفْتُ عَلَّمْتُ شاهَدْتُ أَرْسَلْتُ

«تَ» در «فَعَلْتَ» (انجام دادی)؛ مانند:
تَعارَفْتَ عَلَّمْتَ شاهَدْتَ أَرْسَلْتَ

«ـ» «فَعَلَ» (انجام داد)؛ مانند:
تَعارَفَ عَلَّمَ شاهَدَ أَرْسَلَ

«نا» در «فَعَلْنا» (انجام دادیم)؛ مانند:
تَعارَفْنا عَلَّمْنا شاهَدْنا أَرْسَلْنا

«تُمْ» در «فَعَلْتُم» (انجام دادید)؛ مانند:
تَعارَفْتُم عَلَّمْتُم شاهَدْتُم أَرْسَلْتُم

«وا» در «فَعَلوا» (انجام دادند)؛ مانند:
تَعارَفوا عَلَّموا شاهَدوا أَرْسَلوا

اکنون با توجّه به شناسه ترجمه کنید.

تَصادَمَ: تصادف کرد — تَصادَموا: ...تصادف کردند...
حَرَّكَ: حرکت داد — حَرَّكْتُما: ...حرکت دادید...
سافَرَ: سفر کرد — سافَرْنا: ...سفر کردیم...
أَحْسَنَ: نیکی کرد — أَحْسَنْتُم: ...نیکی کردید...

یادآوریِ فعل مضارع که در پایهٔ هشتم خواندید:

«أ» در « أفْعَلُ» (انجام می‌دهم)؛ مانند: أَتَعارَفُ أُعَلِّمُ أُشاهِدُ أُرْسِلُ
«تَـ» در « تَـفْعَلُ» (انجام می‌دهی)؛ مانند: تَـتَعارَفُ تُـعَلِّمُ تُـشاهِدُ تُـرْسِلُ
«يَـ» در « تَـفْعَلُ» (انجام می‌دهد)؛ مانند: يَـتَعارَفُ يُـعَلِّمُ يُـشاهِدُ يُـرْسِلُ
«نَـ» در « نَـفْعَلُ» (انجام می‌دهیم)؛ مانند: نَـتَعارَفُ نُـعَلِّمُ نُـشاهِدُ نُـرْسِلُ
«تَـ» + «ریشه» + «ونَ»در « تَـفْعَلُونَ» (انجام می‌دهید)؛ مانند: تَـتَعارَفُـونَ تُـعَلِّمُـونَ تُـشاهِدُونَ تُـرْسِلُـونَ
«يَـ» + «ریشه» + «ونَ»در « يَـفْعَلُونَ» (انجام می‌دهید)؛ مانند: يَـتَعارَفُـونَ يُـعَلِّمُـونَ يُـشاهِدُونَ يُـرْسِلُـونَ

اکنون با توجّه به شناسه ترجمه کنید.

يُعَوِّضُ: جبران می‌کند — يُعَوِّضونَ: ...جبران می‌کنند...

يُعامِلُ: رفتار می‌کند — تُعامِلونَ: ...رفتار می‌کنید...

يُخْرِجُ: خارج می‌کند — يُخْرِجْنَ: ...خارج می‌کنند...

تَبادَلَ: داد و ستد کرد — تَتَبادَلينَ: ...داد و ستد می‌کنی

آنچه در یادگیری فعل ها مهم است، شناسه‌هایی هستند که در پایهٔ نهم با آنها آشنا شده اید.

یادآوری شناسه‌های فعل امر:

«ـْ» در « اِفْعَلْ، تَفاعَلْ، فَعِّلْ، فاعِلْ، أفْعِلْ» مانند:

اِذْهَبْ تَشابَهْ فَرِّحْ جالِسْ أخْرِجْ

«ـي» در « اِفْعَلي، تَفاعَلي، فَعِّلي، فاعِلي، أفْعِلي» مانند:

اِذْهَبي تَشابَهي اِكْتَسِبي جالِسي أَخْرِجي

«و» در « اِفْعَلوا، تَفاعَلوا، فَعِّلوا، فاعِلوا، أفْعِلوا» مانند:

اِذْهَبوا تَشابَهوا اِكْتَسِبوا جالِسوا أَخْرِجوا

«نَ» در « اِفْعَلْنَ، تَفاعَلْنَ، فَعِّلْنَ، فاعِلْنَ، أفْعِلْنَ» مانند:

اِذْهَبْنَ تَشابَهْنَ اِكْتَسِبْنَ جالِسْنَ أَخْرِجْنَ

«ا» در « اِفْعَلا، تَفاعَلا، فَعِّلا، فاعِلا، أفْعِلا» مانند:

اِذْهَبا تَشابَها اِكْتَسِبا جالِسا أَخْرِجا

اکنون با توجّه به شناسه ترجمه کنید.

تُسَلِّمونَ: سلام می‌کنید — سَلِّموا: .....سلام کنید.....

تَتَعارَفْنَ: آشنا می‌شوید — تَعارَفْنَ: ...آشنا شوید.....

تُشارِكانِ: شرکت می‌کنید — شارِكا: ...شرکت کنید.....

تُحْسِنينَ: نیکی می‌کنی — أَحْسِني: ...نیکی کن.....

DaneshSad
دانش صد

اَلتَّمارين برگرد

● **اَلتَّمْرينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِماتِ الْمُعجَمِ، تُناسِبُ التَّوضيحاتِ التّالِيَةَ؟**

١- رَئيسُ الْبِلادِ، اَلَّذي يَأْمُرُ الْمَسْؤولينَ وَ يَنصَحُهُم لِأَداءِ واجِباتِهِم. ☜ (قائد : رهبر)
رئیس کشور، کسی است که به مسئولین دستور می‌دهد و آنها را برای انجام وظایفشان نصیحت می‌کند.

٢- تَعَرُّفُ الْبَعْضِ عَلَى الْبَعضِ الْآخَرِ. ☜ (تعارُف: با یکدیگر آشنا شدن)
شناختنِ یکدیگر

٣- اَلَّذي يَعمَلُ لِمَصلَحَةِ الْعَدوِّ. ☜ (عميل: مزدور)
کسی که برای مصلحت دشمن کار می کند.

٤- جُزءٌ واحِدٌ مِنْ خَمسَةٍ. ☜ (خُمْس: یک پنجم)
یک جزء از پنج

● **اَلتَّمْرينُ الثّاني: اِجعَلْ فِي الدّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُناسِبَ.** «كَلِمَةٌ واحِدَةٌ زائِدَةٌ»

١- ذاكَ
٢- اَلْفُرشاةُ
٣- اَلْبُقعَةُ
٤- اَلصُّداعُ
٥- اَلْمُحيطُ

④ وَجَعٌ في الرَّأسِ تَختَلِفُ أَنواعُهُ وَ أَسبابُهُ.
⑤ أَكبَرُ مِنَ الْبَحرِ كَثيراً.
② أَداةٌ لِتَنظيفِ الْأَسنانِ.
③ قِطعَةٌ مِنَ الْأَرضِ.

١- ذاكَ: اضافی است.

٢- اَلْفُرشاةُ: أَداةٌ لِتَنظيفِ الْأَسنانِ.
(مسواک: وسیله ای برای تمیز کردن دندان‌هاست.)

٣- اَلْبُقْعَةُ: قِطعَةٌ مِنَ الْأَرضِ.
(بُقعه: یک قطعه زمین است)

٤- اَلصُّداعُ: وَجَعٌ في الرَّأسِ تَختَلِفُ أَنواعُهُ وَ أَسبابُهُ.
(سردرد: دردی در سر که انواع و دلایلش فرق دارد.)

٥- اَلْمُحيطُ: أَكبَرُ مِنَ الْبَحرِ كَثيراً.
(اقیانوس: خیلی بزرگ‌تر از دریاست.)

● اَلتَّمْرينُ الثّالِثُ: ضَعْ فِي الْفَراغِ كَلِمَةً مُناسِبَةً مِنَ الْكَلِماتِ التّالِيَةِ. «كَلِمَتانِ زائِدَتانِ»

ذِكْرَيات / سَواءٍ / الشَّعبُ / قائِمَةً / لَدَيَّ / مِنْ دون

١- ..... جَوّالٌ تَفرُغُ[٣٤] بَطّارِيَّتُهُ خِلالَ نِصفِ يَومٍ.
٢- زُمَلائي فِي الدَّرسِ عَلىٰ حَدٍّ ..... .
٣- كَتَبْتُ ..... السَّفْرَةِ الْعِلْمِيَّةِ.
٤- لا تَعبُدوا ..... اللّٰهِ أَحَداً.

١- (لَدىً) جَوّالٌ تَفرُغُ بَطّارِيَّتُهُ خِلالَ نِصفِ يَومٍ.
تلفن همراهی دارم که باطریش در نصف روز خالی می‌شود.

٢- زُمَلائي فِي الدَّرسِ عَلىٰ حَدٍّ (سَواءٍ)
همکلاسی‌هایم در درس یکسان هستند.

٣- كَتَبْتُ(ذِكْرَيات) السَّفْرَةِ الْعِلْمِيَّةِ.
خاطرات سفر علمی را نوشتم.

٤- لاتَعبُدوا (من دون) اللّٰهِ أَحَداً.
کسی را به جای خدا نپرستید.

● اَلتَّمْرينُ الرّابِعُ: تَرجِمْ إِلَى الْفارِسِيَّة. (هَلْ تَعلَمُ أَنَّ ...)



١- ... الزَّرافَةَ لا تَنامُ فِي الْيَومِ الْواحِدِ إلّا أَقَلَّ مِن ثَلاثينَ دَقيقَةً وَ عَلىٰ ثَلاثِ مَراحِلَ؟
زرّافه در یک روز فقط کمتر از سی دقیقه و در سه مرحله می‌خوابد؟



٢- ... مَقبَرَةُ «وادِي السَّلامِ» فِي النَّجَفِ الْأَشْرَفِ مِن أَكبَرِ الْمَقابِرِ فِي الْعالَمِ؟
مقبرهٔ «وادی السلام» در نجف اشرف از بزرگ‌ترین مقبره‌های جهان است؟



٣- ... الصّينَ أَوَّلُ دَولَةٍ فِي الْعالَمِ اسْتَخدَمَتْ نُقوداً وَرَقِيَّةً؟
چین اوّلین کشور درجهان است که پول‌های کاغذی را به کارگرفت؟



٤- ... الْفَرَسَ قادِرٌ عَلَى النَّومِ واقِفاً عَلىٰ أَقدامِهِ؟
اسب می‌تواند ایستاده روی پاهایش بخوابد؟



٥- ... أَكثَرَ فيتامين C لِلْبُرتُقالِ فِي قِشرِهِ؟
بیشترین ویتامین C پرتقال در پوستش است؟

[٣٤] تَفرُغُ: خالی می‌شود لديّ = عندي (دارم)

DaneshSad
دانش صد

☼نورُ السَّماءِ☼ ● اَلتَّمْرينُ الْخامِسُ: تَرْجِمِ الْآياتِ وَ اكْتُبْ نَوعَ الْأَفعالِ فيها.

۱- ﴿ وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَراتِ رِزْقاً لَكُم ﴾ اَلْبَقَرَة: ۲۲ - أَنْزَلَ ، أَخْرَجَ ☜ فعل ماضی

و از آسمان آبی را فروفرستاد و بدان از میوه‌ها رزق و روزی برای شما بیرون آورد.

۲- ﴿اَللهُ وَلِيُّ الّذينَ آمَنوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النّورِ﴾ اَلْبَقَرَة: ۲۵۷ - آمَنوا ☜ فعل ماضی / يُخْرِجُ ☜ فعل مضارع

خداوند یار کسانی است که ایمان آوردند، آنها را از تاریکی‌ها به روشنی بیرون می‌آورد.

۳- ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللّهِ حَقٌّ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ﴾ غافِر: ۵۵ - اِصبِرْ ، اِسْتَغْفِرْ ☜ فعل امر

پس صبر کن (شکیبا باش) که وعدهٔ خدا حق است و برای گناه خود آمرزش بخواه.

٤- ﴿.... وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ ... ﴾ آل عِمران: ١٦٤ - يُعَلِّمُ ☜ فعل مضارع

و به آنها کتاب و حکمت را یاد می‌دهد.

۵- ﴿وَ بِالْحَقِّ أَنزَلْناهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَلَ﴾ اَلْإِسرا: ۱۰۵ - أَنْزَلْنا ، نَزَلَ ☜ فعل ماضی

- و به حق آن را نازل کردیم (فروفرستادیم) و به حق نازل شد .

۶- ﴿قالَ إِنّي أَعْلَمُ ما لا تَعْلَمونَ ﴾ اَلْبَقَرَة: ۳۰ - قالَ ☜ فعل ماضی / أَعْلَمُ☜ فعل مضارع / لاتَعْلَمونَ ☜ فعل مضارع منفی

گفت من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.

● اَلتَّمْرينُ السّادِسُ: عَيِّنِ الجَوابَ الصَّحيحَ.

۱- الماضی مِنْ «يُحاوِلُ»:

☐ تحَوَّلَ : جابجاشد ، انتقال یافت ☐ حوَّلَ : تغییر داد ☑ حاوَلَ : تلاش کرد

۲- المضارع مِنْ «حَذَّرَ»:

☐ يُحاذِرُ : زنهار می‌دهد ☐ يَحْذَرُ : دوری می‌کند ☑ يُحَذِّرُ : هشدار می‌دهد

۳- المصدر مِنْ «تَقاعَدَ»:

☑ تقاعُد : بازنشستگی ☐ تقعید : ضابطه‌مند کردن ☐ إقعاد : وادار به نشستن کردن

۴- الأمر مِنْ «تُرسِلُ»:

☑ أَرْسِلْ : بفرست ☐ أُرْسِلُ : می‌فرستم ☐ أَرْسَلَ : فرستاد

۵- النّهی مِنْ «تُقَبِّلونَ»:

☐ لاتُقابِلُوا : روبرونشوید ☐ لاتَقْبَلُوا : نپذیرید، قبول نکنید ☑ لاتُقَبِّلُوا: نبوسید

٦- اَلْمُضارِعُ مِنْ «تَعَلَّمَ»:

☐ يُعَلِّمُ: آموزش می‌دهد ☑ يَتَعَلَّمُ: می‌آموزد ☐ يَعْلَمُ: می‌داند

۷- اَلْمَصدَرُ من «اِعْتَرَفَ»:

☐ تَعَرَّفَ(تَعَرَّفَ عَلَى:آشنا شد) ☐ تَعارُف: یکدیگر را شناختند ☑ اِعْتِراف :اعتراف کردن

DaneshSad
دانش صد

أنوارُ القرآنِ برگرد

عَيِّنْ تَرجَمَةَ الْكَلِماتِ الْمُلَوَّنَةِ فِي الْآياتِ.

۱- ﴿وَ عِبادُ الرَّحمٰنِ الَّذينَ يَمْشونَ **عَلَى الْأَرْضِ** هَوْناً وَ إذا خاطَبَهُمُ **الْجاهِلونَ** قالوا سَلاماً﴾ الفُرقان: ٦٣
و بندگان [خدای] بخشاینده کسانی‌اند که **روی زمین** با آرامش و فروتنی گام برمی‌دارند و هرگاه **نادان‌ها** ایشان را خطاب کنند، سخن آرام می‌گویند.

۲- ﴿إِنَّ **الْحَسَناتِ** يُذْهِبْنَ **السَّيِّئاتِ**﴾ هود: ١١٤
بی گمان **خوبی‌ها** ، **بدی‌ها** را از میان می‌برَد.

۳- ﴿اَلْحَمدُ لِلّه الَّذي **هَدانا** لِهٰذا وَ ما كُنّا لِنَهتَدِيَ **لَولا** أنْ هَدانَا اللّٰهُ﴾ الأعراف: ٤٣ ●**هدانا** = هدی +نا / **هَدیٰ** : راهنمایی کرد
ستایش از آنِ خدایی است که ما را به این [نعمت ها] **رهنمون ساخت**؛ و **اگر** خدا راهنمایی‌مان نکرده بود، [به اینها] راه نمی‌یافتیم.

٤- ﴿رَبِّ **إنّي** لِما **أَنْزَلْتَ** إلَيَّ مِن خَيرٍ فَقيرٌ﴾ القَصَص: ٢٤
پروردگارم، **من بی‌گمان** به آنچه از خیر برایم **فرستادی**، نیازمندم.

٥- ﴿**أَلا** بِـ**ذِكْرِ** اللّٰهِ تَطمَئِنُّ الْقُلوبُ﴾ الرَّعد: ٢
آگاه باش که با **یادِ** خدا دل ها آرام می‌گردد.

٦- ﴿**أَحْسِنْ** كَما أَحْسَنَ اللّٰهُ **إلَيكَ**﴾ القَصَص: ٧٧
نیکی کن همان گونه که خدا **به تو** نیکی کرده است.

اَلبَحثُ العِلمیُّ برگرد

اِبحَثْ عَن آياتٍ في كُلٍّ مِنها فِعلٌ مِن هٰذِهِ الْأَفعال. (في كُلِّ آيَةٍ فِعلٌ واحِدٌ.)
أَرسَلْنا . اِنتَظِروا . اِستَغفِرْ . اِنبَعَثَ . تَفَرَّقَ . تَعاوَنوا . عَلَّمْنا . يُجاهِدونَ

وَمَا **أَرْسَلْنَا** مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ ابراهيم:٤
قُلِ **انتَظِرُوا** إِنَّا مُنتَظِرُونَ انعام آیه ١٥٨
اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ توبه:٨٠
كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا١١إِذِ **انْبَعَثَ** أَشْقَاهَا١٢ شمس: ١١و١٢
وَمَا **تَفَرَّقَ** الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَةُ بيّنه:٤
تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى مائده/٢
وَمَا **عَلَّمْنَاهُ** الشِّعْرَ وَمَا يَنبَغِي لَهُ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ يس:٦٩
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ **يُجَاهِدُونَ** فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ۚ ...